

جلسه اول . ۹۳/۶/۲۴

موردی درس : - محور اول) تطبیق نظریه های انقلاب با انقلاب اسلامی ایران .

- محور دوم) تاریخ انقلاب اسلامی ایران .

منابع مربوط به مختصان سیاسی نظام پهلوی ؛ مانند چهره پاره آینه (اشرف پهلوی)

منابع ژورنالیستیک خارجی ؛ مانند معانی حویلیا .

منابع انقلابیون ؛ مانند کتاب های مرکز اسناد انقلاب اسلامی و خاطرات انقلابیون و سزاخانی .

مؤسسات و نهاد هایی که در زمینه انقلاب اسلامی ایران ، فعالیت کرده اند :

- ۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران
- ۲. مؤسسه های تاریخ معاصر ایران
- ۳. ژورنال های امام خمینی
- ۴. مؤسسه های فرهنگ و هنر
- ۵. معاونت فرهنگی نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه ...

کتاب فضل نامه حاجینام که فضل نامه متین

* این درس زیر مجموعه گسترده تری تدوین می شود و رشته های انقلاب اسلامی ، مدرسی انقلاب اسلامی و تراث انقلاب اسلامی و جایگاه انقلاب اسلامی و ... نیز شامل گرفته است .

جلسه دوم . ۹۳/۶/۳۱

* انقلاب اسلامی ایران از این باب که یک بدیهی محقق شده است ، یک آزمون مناسب است برای نظریه پردازان انقلاب که می توانند نظریات مختلف را با آن تطبیق دهند . مثلاً می توان نظریه های مارکسیست انقلاب را با انقلاب اسلامی ایران مقایسه کرد و تطبیق داد یا سیستم آبی در ایران جایگهی طبیعتی وجود داشته است یا نه . وقوع انقلاب اسلامی ایران ، موجب تعدیل یا تغییر نظریات انقلاب شده است .

برای مثال نظریه های اسکاتسون از منبای جوامع کسب و کاری ، دولت های تحصیلدار تعدیل شد معنی انقلاب عمومی

ایران باعث شد نظریه های جدیدی توسط اسکاتسون ارائه شود . انقلاب اسلامی در نظریات انقلاب جایگاه ایجاد کرد و موجب تعدیل آن شد .

* ممکن است نظریات انقلاب به طور کامل و صددرصدی قابل تطبیق با انقلاب نباشد ، بلکه بخشی از این نظریات امکان تطبیق داشته باشد . مانند نظریه های کربن برنیون که در مورد انقلاب ایران تطبیق دارد بخشی از آن .

* پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران ، نظریه های فرهنگی انقلاب به نظریات انقلاب افزوده شد که تا پیش از آن چنین نظریاتی وجود نداشت ؛ چرا که اکثر انقلاب های که در قرن ۲۰ شکل گرفته ، انقلاب های غربی بوده و با شعار های ضد سرمایه داری رخ داد .

آثار انقلاب اسلامی ایران ، مفهومی دین و اندولوژی دین جایگاه مهم تری دارد . انقلاب ایران با مبانی اعتقادی ، فرهنگی و اندولوژیکی به وقوع پیوست . در حالی که انقلاب های پیشین با ریشه های اقتصادی رخ داده بود . لذا فرهنگ و مذهب به عوامل وقوع انقلاب افزوده شد .

* از بین نظریات مختلف که در مورد انقلاب ایران وجود دارد (نظریات سیاسی آبراهامسون ، اعتقادی ، چپ ، ...) ، تحلیل های فرهنگی نیز در خصوص آن شکل گرفته است . حجم گسترده ای از تحلیل های فرهنگی است . فوکو در کتاب «ایران ها چه روزیایی در سر دارند» می گوید ایران ها به دنبال حکومتی هستند که با آن می تواند در ذهن داریم ، متفاوت است . لذا فوکو جزو نظریه پردازان فرهنگی در مورد انقلاب ایران به شمار می رود . پیش تر کتاب انقلاب اسلامی ایران با استدلال های فرهنگی و مذهبی نوشته شده اند . می توان گفت ۷۰ درصد تحلیل های که در خصوص انقلاب ایران صورت گرفته است ، تحلیل های فرهنگی است .

* دیگر می توان ادعا کرد که نظریه های برتانی انقلاب با تطبیق دارد ، چرا که در علوم انسانی تطبیق یک نظریه و تقسیم آن بر همه بدیهه های مرتبط با آن امکان پذیر نیست . لذا اکنون بحث هر انقلاب ، یک نظریه مطرح است .

است .

است .

است .

است .

است .

است .

است .

است .

است .

است .

جلسه سوم . ۹۳، ۷، ۷

- تظریه های جامعه شناختی
- تظریه های سیاسی
- تظریه های اقتصادی
- تظریه های فرهنگی
- تظریه های تاریخی

مباحث نظری انقلاب اسلامی

تظریه های تاریخی انقلاب اسلامی ایران : یک رویکرد این است که دو انقلاب را که مربوط به دو سده زمین است ، از لحاظ تاریخی تطبیق دهیم . رویکرد دیگر آن است که نگاه درونی داشته باشیم ، یعنی دو انقلاب در داخل یک کشور بررسی کنیم ، مثلاً انقلاب اسلامی را با انقلاب مشروطیت مقایسه کنیم .

* از جمله نظریه پردازان تاریخی انقلاب اسلامی ، « نیلی لوری » است که در کتاب « ریشه های انقلاب ایران » به بررسی انقلاب اسلامی پرداخته است . او هم مورخ است و هم گام ایران شناس . ریشه های انقلاب ایران از نخستین کتاب های مربوط به انقلاب اسلامی است .

* کتاب « مقاومت شکننده » از جان فورن دیگر کتابی است که از لحاظ تاریخی به بررسی انقلاب اسلامی می پردازد . نیلی لوری دو نگاه را در مورد انقلاب ایران مد نظر دارد :

- معنای درونی : معنای انقلاب ایران با بنیاد های پیشین در ایران . اصل بحث لوری در این بخش است .
- معنای بیرونی : معنای انقلاب ایران با انقلاب کشورهای دیگر به صورت گذرا .

در معنای بیرونی ، دو تفاوت عمده میان انقلاب ایران و انقلاب های بزرگ دنیا مطرح می کنند :

- ۱) انقلاب ایران ، یک انقلاب ایدئولوژیک و مذهبی است . فرهنگ و مذهب در آن نقش عمده دارد . این مسئله را می توان در رهبر ، شعارها و مآذنه کرد .
- ۲) انقلاب ایران ، یک انقلاب شهری بود . در روسیه ابتدا شورشی های دهقانان شکل گرفت . در چین انقلاب از روستا ها به شهرها گسترش یافت . اما در ایران انقلاب از شهرها آغاز شد .

کار اصلی لوری در معنای بیرونی درونی صورت گرفته است . می گوید اگر اتفاقات ایران را بررسی کنیم و تاریخ صد ساله ی قبل از انقلاب را ببینیم ، متوجه می شویم تعداد نهضت ها و حرکت های مردم در ایران نسبت به جهان اسلام ، به نظر است . نه تنها از لحاظ تعداد بلکه از نظر دامنه و گسترده آن ها ، بیس تر است .

نکته ای که لوری استخراج می کند این است که تمام این رخداد های آن لایی که به نتیجه رسیده اند مانند مشروطیت و چه آن لایی که موفق نبوده اند مانند نهضت های خردار - داری دولت های ضد استبدادی و ضد استعماری هستند . لوری معتقد است نهضت مشروطیت بر عصبه تر از سایر نهضت های رخ داده در ایران است . لذا به معنای انقلاب اسلامی و نهضت مشروطیت می پردازد .

انقلاب مشروطیت در زمان قاجار رخ داد ، دوره ای که قاجار به تحت سلطه ی دو قدرت بزرگ آن زمان یعنی روسیه و انگلستان بود . هر دو کشور روسیه و انگلستان در حال رقابت برای گرفتن امتیاز از ایران بودند . کاهش عوارض واردات برای روسیه و انگلستان موجب اعتراض تجار ایرانی شد ، چرا که کاهش عوارض تمرکبات ، باعث ایجاد پول در می شد و کاهش تولید و فروش کالاهای ایرانی را در پی داشت .

در همین زمان خشکسالی موجب نا رضایت دهقانان شده بود.

از طرف دیگر در این دوره، ارتش قدرتمندی وجود نداشت. ارتش قزاقی ها برای اداره ی شهر ها استفاده می شد ولی قدرت سرکوب شورشی را نداشت.

از سوی دیگر نفوذ بالایی علما ی ایران ساکن در نجف اشرف از جمله میرزای شیرازی بسیار تأثیر گذار بود. این طبیبی مستقل علما از وضع موجود ناراضی بودند.

طبیبی روشنفکران اگر چه در اقلیت بودند، ولی آن لاتر نا رضایتی خود را از طریق انتشار کتاب و مخصوص روزنامه های مردم مستقل می کردند. از جمله ی این افراد ملکم خان بود.

بنابر این اگر چه هفت مشروطه، ضد استعماری بود ولی لایحه ضد استبدادی آن قوی تر بود. یعنی پیش تر به دنبال کاهش استبداد حاکمان بودند. لذا در هفت مشروطه، اختیارات پادشاه کاهش یافت. این امر با تشکیل مجلس و نوشتن قانون اساسی انجام شد. جنبه ی ضد استعماری کم بود زیرا هم پیش رفت که غرب را می دیدند و هم غارت منابع ایران را نمی دیدند.

سؤال اصلی روشنفکران این بود که چرا اروپایی ها پیش رفت کرده اند ولی ما عقب افتاده ایم. ملکم خان می نویسد این بدان دلیل است که آن لا قانون دارند ولی ما نداریم. لذا روزنامه های که منتشر می کنند با نام قانون است.

لذا انقلاب مشروطه با حذف محدود اختیارات حاکم شکل گرفت و با شکل گیری پارلمان و تصویب قانون اساسی، این محدودیت اعمال شد. اما اشکال آن بود که قانون اساسی غربی لحاظ شده بود.

جلسه چهارم . ۱۶، ۷، ۹۳

انقلاب اسلامی: در انقلاب اسلامی تضاد طبقاتی وجود داشت. استبداد شاه وجود داشت. نا رضایتی بین گروه های مختلف مانند انقلاب

مشروطه وجود داشت: روشنفکران مثل سر قیصر، جدال اول احمد...، روحانیت - صریحان رعایت آیت الله موجودی و صریحان امام خمینی... طبقات کارگر... از جمله نا رضایتان بودند. در اثر این نا رضایتی، قاصد مردمی شکل گرفت که به انقلاب اسلامی منجر شد.

« با مقایسه ی این دو انقلاب، نیکو کدی، در پایان این سؤال را مطرح می کند که چه شد انقلاب سال ۵۷؟ اسلامی شد، اما انقلاب مشروطه، غربی شد؟

کدی پاسخ می دهد که ماهیت دشمن باعث این جهت گیری شد. در انقلاب مشروطه ماهیت دشمن استبداد داخلی بود؛ لذا با اکثریتی از کتولایی پیش رفتند اروپایی به دنبال تشکیل پارلمان و قانون اساسی رفتند. اما با گذشت ۵۰ سال با عدم توسعه ی ایران، دریافتند که باید جلوی استعمار خارجی را گرفت.

در انقلاب مشروطه، به دلیل خوش بینی ام که به نظام لای غربی وجود داشت، به سمت ساختار لای غربی رفتند. اما در سال ۵۷ نوعی بدبینی به غرب وجود داشت. لذا جنبه ی ضد استعماری و ضد امپریالیستی انقلاب اسلامی بر یک تر بود.

انقلاب اسلامی ایران از منظر توسعه (مجموعه ی مباحث نیکو کدی)

افراد مانند هاستینگتون می گویند بحران لای جامعه منجر به انقلاب می شود؛ یعنی توسعه و انقلاب مرتبط اند. نیکو کدی معتقد است توسعه ی شتابان شاه در سال ۱۳۴۰ از آن جایی که ظرفیت آن در مردم وجود نداشت، باعث وقوع انقلاب در ایران شد.

فرضیه ی نیکو کدی: حرکت شتابان در توسعه موجب انقلاب شد.

سؤال: چرا انقلاب ایران مذهبی شد؟ انقلاب های معاصر هگی ماهیت مارکسیستی و چپ داشتند؛ چرا برخلاف انقلاب های دیگر، در ایران انقلاب مذهبی رخ داد؟

استدلال‌های گدی : در جریان توسعه ، مردم به دو دسته تقسیم می‌شوند : سنتی‌ها و مدرن‌گراها .

در انقلاب ایران ، سنتی‌ها روحانیون و بازاری‌ها بودند . آن‌ها در مقابل مدرن‌گراسیون قرار گرفتند ، چرا که مدرنیته را به ضرر خود می‌دانستند . از طرف دیگر ، روستاییان نیز به سنتی‌ها پیوستند و آن‌ها مذهبی‌تر بودند . چون مدرن‌گراسیون ، باعث خسارت به کشاورزی می‌شد ، روستاییان کم‌کم جذب شهرها شدند ، در نزدیکی شهرها قرار گرفتند و با سنتی‌ها همراه شدند . فرزندان لای شاه عامل دیگر بود . چرا که در این دوران ، شاه ، پیش‌تر به مخالفت با کوشش‌ها می‌پرداخت و توجه زیادی به روحانیون و گروه لای مذهبی نداشت ؛ لذا آزادی مذهبیون و عدم سرکوب آنان ، باعث شد انقلاب ایران مذهبی شود .

نقد دیدگاه گدی در خصوص انقلاب و توسعه :

۱. گدی در اصل تاریخ نگار است و سنتی به انقلاب ایران آشنایی عمیق ندارد . لذا عدم داشتن اطلاعات کامل و جامع در مورد انقلاب ایران باعث شکل‌گیری نظریه این اشتباه توسط گدی شده است .
 ۲. مخالفت با شاه را به مذهبی‌ها نسبت می‌دهد . این در حالی است که جناح لای دیگر از جمله جناح لای چپ در انقلاب ایران حضور داشتند . لذا نمی‌توان انقلاب اسلامی را فقط به سنتی‌ها و مذهبی‌ها محدود دانست .
 ۳. گدی معتقد است مدرن‌گراسیون موجب اتحاد سنتی‌ها شد و مقابل حکومت قرار گرفتند ؛ اگر شاه اقدام به توسعه نمی‌کرد ، انقلاب به وقوع نمی‌پیوست . در نقد این گفتار ، می‌توانیم در انقلاب مشروط که هیچ‌گونه مدرن‌گراسیون صورت نگرفته بود ، روحانیون و بازاری‌ها با یکدیگر متحد شده بودند . پس مدرن‌گراسیون عامل اتحاد این دو جناح نیست .
 ۴. در نقد استدلال دوم گدی می‌توانیم روستاییان آخرین گروهی بودند که به انقلاب پیوستند . ضمناً طبقات مختلف جامعه ایران در انقلاب حاضر بودند .
 ۵. استدلال سوم گدی اشتباه است ؛ زیرا طبق آمارها ، به همان میزان که چپ‌ها در زندان بودند ، مذهبی‌ها در زندان بودند . اگر پیش‌تر نبودند ، کم‌تر هم نبودند .
- در نتیجه با درک عامل شکل‌گیری انقلاب ایران محدود به توسعه نیست .

جلسه ی پنجم . ۲۸ ، ۲۷ ، ۲۶ ، ۲۵ ، ۲۴ ، ۲۳ ، ۲۲ ، ۲۱ ، ۲۰ ، ۱۹ ، ۱۸ ، ۱۷ ، ۱۶ ، ۱۵ ، ۱۴ ، ۱۳ ، ۱۲ ، ۱۱ ، ۱۰ ، ۹ ، ۸ ، ۷ ، ۶ ، ۵ ، ۴ ، ۳ ، ۲ ، ۱

نظریات فرزندگی انقلاب اسلامی ایران

نظریات مختلفی را در بر می‌گیرد و هر نظر بر بردار از منظر خاصی به انقلاب اسلامی پرداخته است . مثلاً عبد رنجانی به نقش مذهب می‌پردازد یا فولکو به معنویت (در مقابل مادی‌گرایی) توجه دارد . افرادی مثل حمید عنایت ، عبد رنجانی ، باغانی ، منوچهر محمدی به عامل مذهب در انقلاب اسلامی پرداخته اند .

در این جا به نظریه حمید عنایت می‌پردازیم .

حمید عنایت در مقاله ای با عنوان « انقلاب ایران ، مذهب به عنوان ایدئولوژی سیاسی » که به زبان انگلیسی در سال ۱۳۷۰ نوشته ، به بررسی انقلاب اسلامی می‌پردازد .

منظور از مذهب به عنوان ایدئولوژی یعنی این که مذهب از حالت امور شخصی و عبادی صرف خارج شد و با ورود به اجتماع ، حرکتی به وجود آمد و انقلاب را شکل داد .

چون تغییرات بنیادین در ایران شکل گرفت و با تقاضای آن از انقلاب داریم ، حمید عنایت معتقد است می‌توان با این خصوصیات نام انقلاب بر تحولات ایران گذاشت . استقلال از غرب و نگاه به درون و ... از دیگر مشخصه‌های انقلاب ایران است .

سطوح بررسی : (۱) وجوه اشتباه انقلاب ایران با سایر انقلاب‌ها . (۲) وجوه اختلاف انقلاب ایران با دیگر انقلاب‌ها

* محمد عنایت و جبهه اختلاف را مورد تأکید قرار داده است.

۴ **وجوه تشابه:** در جریان انقلاب اسلامی همواره تناقضاتی وجود دارد، از جمله: بی‌سواری و روشنفکری، سنت کزایی و مدرن کزایی، پیشرفت و عقب ماندگی، استبداد و آزادی، ... این موارد در انقلاب ایران هم مشاهده می‌شود.

در جریان انقلاب اسلامی، توسعه اقتصادی صورت می‌گیرد اما انقباض سیاسی هم ضامن حفظ می‌شود. همچنین در پیس می‌تواند یک دوره شکوفایی اقتصادی به وجود می‌آید که پس از آن افول اقتصادی، دنبال دارد.

۴ **وجوه اختلاف:** آن چه ما می‌بینیم در انقلاب است که اثر برخورد و تضاد طبقاتی حاکم و کارگر است، در مورد انقلاب ایران هم ضامن ندارد. به صورت کلی انقلاب ایران با نظریات چپ مطابقت ندارد.

و ترکیب انقلاب ایران که آن را از دیگر انقلاب‌ها متمایز می‌کند:

«عضو مذهب، رادیکالی اصلی و منحصر به فرد انقلاب ایران معرفی می‌کند. «انقلاب ایران در جهت توسعه سطح اسلامی مذهب به وقوع پیوست که عمق و مفاداری به مذهب شیعه را نمودار کرد؛ مذهب شیعه باعث شد انقلاب ایران خصوصیات بیاد کند که در میان انقلاب اسلامی هم عصری جایگاه خوبی بیاید. من نقش مذهب را عضو اصلی در کلی انقلاب اسلامی ایران می‌دانم.» ← (جولانه از حمید عنایت)

استدلالات حمید عنایت

عنایت می‌گوید اگر انقلاب ایران مذهب نباشد، چه عنوان دیگری می‌توان برای آن در نظر گرفت؟! عنایت با بررسی تاریخ صدساله گذشته ایران می‌گوید، هرچه حرکت و هر جنبش که شکل گرفته، عامل مذهب را در آن می‌بینیم. نهضت سبزوکی، نهضت مشروطه، قیام جنگل، مکر شدن صنعت نفت، قیام ۵۷ خردار، حکم حرکت لای مذهب بوده‌اند. استدلال او این است که چون جامعه ایران، جامعه‌ای مذهب بوده است؛ لذا قیام لای ایران رنگ و بوی مذهب داشته است. پس انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ هم انقلاب مذهب بوده است.

عنایت تفاوت میان انقلاب اسلامی و سایر انقلاب‌ها در ایران قائل می‌شود: می‌تواند در انقلاب مشروطه مذهب لای نتواند مذهب حکومت را در دست گرفته و تقسیم قدرت و ~~حکومت~~ باروشتران غرب زده صورت گرفته. در نتیجه کم‌کم نهضت مشروطه از اختیار مذهب لای خارج شد. اما در انقلاب اسلامی ایران، حرکت از ابتدا توسط مذهب لای آغاز شد و در ادامه حکومت نیز در دست مذهب لای باقی ماند.

* عنایت معتقد است مفاهیم شیعی در انقلاب اسلامی ایران مورد بازنگری قرار گرفته. (مثلاً مفاهیم انتظار، مهدویت، قیام امام حسین (ع) و ... از مفهوم سنتی خود فاصله گرفته و تغییر یافته.

جلسه ششم: ۹۳، ۸، ۵

چنان که گفته شد عنایت بر این عقیده است که در انقلاب اسلامی ایران، مفاهیم شیعی (مفاهیم انقلابی در مکتب شیعه) مورد بازتفسیر قرار گرفته.

مکتب اهل سنت با مفهوم محاطه کاری و همکاری با حکومت سروکار دارد. سناد دلیل آن ارتزاق از حکومت باشد. لذا قیام لای زیادی از سوی اهل سنت دیده نمی‌شود.

عنایت می‌گوید از زمانی که شیخ پس از دوره صفویه شروع شد به همین دلیل نوعی روحیه محاطه کاری در بین شیعیان ایجاد شد.

با انقلاب اسلامی ایران، مفاهیم شیعه در آستانه انقلاب تغییر یافته و مفهوم انقلابی پیدا کرد.

قیام امام حسین^(ع) که فلسفه قیام امام حسین^(ع) است، پس از صفوی به صورت تقریبی نمایش داده شد و غزاداری و شعار ظاهری اصیت پیدا کرده بود و مصیبت وارده به اهل بیت مورد تأکید بود. اما در جریان انقلاب اسلامی، مفهوم عاشورا تغییر پیدا کرد و جنبه مبارزه با ظلم در قیام حسین برجسته شد.
 مفهوم انتظار نیز باز تفسیر شد. قبل از انقلاب انتظار این بود که نفسی شده و وظیفی ما این است که صبر کنیم و منتظر باشیم تا زمانی که با ظهور امام زمان^(ع) ظلم و فساد از بین برود.
 باز تفسیر جدید انتظار این بود که وظیفی ما این است که زمیندی ظهور را ایجاد کنیم و عدالت را گسترش دهیم. این مفهوم جدید به قیام منجر می شود.

مفاهیم جدید شعر به شکل گریه ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران انجامید.
 * آیا تعبیر به باز تفسیر مفاهیم شعری در جریان انقلاب صحیح است؟ آیا حقیقتاً مفاهیم شعری باز تفسیر شده است؟
 این تعبیر صحیح نیست؛ تعبیر درست «اجتباری» است. در واقع هدف قیام امام حسین^(ع) از ابتدا مبارزه با ظلم بوده ولی در طول زمان برداشت نادرستی از آن شده است. پس بهتر است بگویم مفاهیم شعری که در طول تاریخ به جا مانده رفته اند، اجناس شده اند.

در حقیقت این نوع برداشت جدید عنایت از مفاهیم شعر با تأثیر پذیری از مسیحیت و کاتولیک و پروتستان صورت گرفته است. یعنی مسیحیت محافظه کار کاتولیک دچار بازخوانی قرار گرفت و پروتستانتریم به وجود آمد که مفاهیم جدیدی باز تولید شدند. ایرانی که به عنایت وارد می شود این است که مفاهیم شعر را مانند مسیحیت پروتستان تعبیر کرده است.
 * نقش مجتهدان در وقوع انقلاب اسلامی بسیار مهم بوده است. عنایت معتمد است مجتهدان توانستند خود را به سرعت با جریانات جدید تطبیق کنند. حتی در نهضت مشروط نیز توان چنین رویکردی را دید. مجتهدان توانستند مشروط را با اسلام تطبیق دهند. در جریان انقلاب اسلامی هم این طور بود. امام حسین^(ع) نوع حکومت را جمهوری اسلامی مطرح کرد. جمهوریت در هیچ جایی قرآن دست نیامده اما چون با مفاهیم اسلامی مغایرت ندارد، می پذیریم.
 این رویکرد از ویژگی های مجتهدان شعر است. چنین رویکردی در میان علمای اهل تشن مشاهده می شود؛ چون اجتهاد در بینشان جایگاه ندارد.

* از دیگر عناصر تأثیرگذار در نهضت شدن و بروز انقلاب ایران نقش دانست، «عضر رهبری» است. رهبری واحد توانست شعارهای استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی را مورد توافق همگان قرار دهد.
 مذهب شعر اولین منبع برای تجهیز و چهارچوب بنیادین انقلاب است.

جلسه هفتم: ۲۶، ۱، ۹۳

در بررسی نظریه های فرهنگ انقلاب، تعریف موسع فرهنگ مدنظر است؛ یعنی می تواند شامل مذهب، آداب و رسوم، بهر هر شود. فولکو به عنوان یک فیلسوف، حضور معنویت در انقلاب ایران را مهم ترین جلوه آن می داند.
 فولکو یک سیت مدرن است و تجربه برای صرف نیست؛ بلکه به عوامل و جنبه های دیگر نیز توجه دارد. لذا به حضور معنویت در سیاست توجه می کند.

پوپک طاعتی نیز تحلیل دارد که در چهارچوب فرهنگ اجتماعی قرار می گیرد. این دیدگاه اجتماعی از سلطه های استعمار نیست می گردد. روسیه و انگلستان و آمریکا نقش استعمارگر در ایران داشته اند. فهم اجتماعی مردم این بود که ملت صد و پنجاه سال گذشته حواره ایران تحت استعمار غیر مستقیم بوده است؛ لذا می خواستند از زیر بار ظلم و ستم و سلطه های استعماری آزاد شوند.

خارج شوند. این تحلیل از منظر فرهنگ اجتماعی، زیر مجموعه ی تقریبات فرهنگی است.

میشل فسکو:

کتاب لای زبانی در عصری فلسفی علم دارد و از روشنگران سبب مدرن است. در زمان انقلاب ایران، در ایران حضور داشت و در روزنامه ی «لوموند» انگلستان کار می کرد. مقالات زیادی نوشت از جمله: «سه صد سال عقب بود» «انبار باروتی به نام اسلام» «انقلاب ایران سوار بر نوارهای ضبط صوت».

۲ نکته برای فوکو در مورد انقلاب ایران مهم بود:

۱) نبودن این انقلاب؛ انقلاب ایران به جهت مطالبات مردم که مادری صرف نیست و شعارهای اسلامی را در آن، از دستگیر انقلاب متمایز است.

۲) منحصر بودن انقلاب ایران.

* فوکو روحیه ی استبداد ستیزی داشت. به علاوه نسبت به مردم ایران عشق می ورزید و به فرهنگ و تمدن ایران، علاقه مند بود.

برای فوکو ۲ مسئله در فلسفه ی علم اهمیت دارد:

۱ قدرت ۲ تاریخ

→ قدرت امر سیاسی است که بخشی از آن در دست حکومت است و بخش دیگر در اختیار اجتماع و مردم است. قدرت متمرکز در حکومت نیست. قدرت درون جامعه اگر متمرکز شود، می تواند به انقلاب منجر شود؛ خصوصاً زمانی که نوعی مقاومت در جامعه علیه حکومت شکل می گیرد.

→ علی رغم این که تصور می شود تاریخ امری بیوسسته است، باید گفت این نوع نیست. مقاطعی در هر کشور وجود دارد که می تواند آن کشور را بابت یک جوش تاریخی مواجه کند و آن کشور را چندین سال جلو ببرد. انقلاب یا پدیده ای هستند که چنین جوشی را به وجود می آورد و تاریخ کشورها را به قبل و بعد از انقلاب تقسیم می کند.

* «ایرانی را چه رویایی در سر دارند؟» عنوان کتابی است که مجموعه مقالات فوکو را در بر می گیرد.

* مطالبات مردم ایران به قدرت علیه حکومت تبدیل شد و این قدرت از فرهنگ مقاومت که از ارزش لای شعری سرچشمه می گرفت، ناشی بود. فوکو «روح انقلاب اسلامی» را وارد کردن ارزش لای شعری معرفی می کند.

* فوکو می گوید: ایرانیان در انقلاب اسلامی به دنبال یک آرمان و تجربه ی معنویت گرایی بودند که آن را در مذهب شیعه دیدند.

مطالبات مردم ایران از منظر فوکو:

۴ ۵۰۰ یاسنج مردم به پیش من، حکومت اسلامی بود. مردم خواستار حضور معنویت در سیاست بودند.

۱ یوپک طاعتی:

عنوان تحلیل او: «

یاسنج او به پیش «چرا انقلاب سال ۵۷ ایجاد شد؟» این است: «انقلاب یاسنج است به سائل مورد علامه ی سیاسی تاریخی اقتصاد مردم ایران که به طور غیر مستقیم زیر سلطه ی قلمرو های خارجی بودند که به دنبال یک جامعه ی مستقل بودند که در آن فرهنگ، سیاست و اقتصاد فارغ از نفوذ ابر قدرت لا باشد.

این درک اجتماعی در بین ایرانیان به وجود آمده بود که قدرت اداری و نظامی حکومت تصنیف شده بود. طاعتی از نظریه ی کاپیول برای بیان این تحلیل استفاده می کند. این که انقلاب لای زبانی رخ می دهد که ساختار اداری و نظامی ناتوان در برابر لای زبانی

خارجی باشد.

تحلیل هم طاعتی از نظریه‌ی والریستین برگرفته شده است. والریستین منسوب انقلاب در کشورهای پیرامونی علیه نظام سلطه مشکل منگردد.

در مورد نظریه‌ی اسکاچپول در مورد ایران باید گفت در انقلاب ایران در ظاهر این اتفاق نیفتاد، اما بر منگردد به درک اجتماعی و دیدگاه ایرانی؛ یعنی این درک ایجاد شده بود که برودکراسی و نظام مسلط بر ایران نابود است.

طاعتی از نظریه‌ی والریستین این گونه استفاده می‌کند که جریان انقلاب ایران، انقلابی در کشورهای پیرامونی بوده است. شاه مردمی آمریکایی بود و نظام سلطه را مردم نپذیرفتند و انقلاب علیه نظام سلطه رخ داد.